

یادها و خاطر ه‌ها

این شماره: پرویز فنی زاده

ماهانمه سینما تئاتر از این شماره اقدام به درج مطلب جدیدی تحت عنوان یادها و خاطر ه‌ها می‌کند. در این سلسله مطالب سعی داریم از هنرمندان برجسته و پیشکسوت تئاتر و سینما، یادها و خاطر ه‌های آنان سخن به میان آوریم اولین شماره را به مرحوم پرویز فنی زاده از هنرمندان برجسته تئاتر و سینمای کشور اختصاص داده‌ایم.

پرویز فنی زاده - عزت... انتظامی



ساعدی، دورنمات، اوژن بونسکو، برشت، بکت، آرتور و ماکس فریش بازی کرده است.

او با کارگردان‌هایی چون بهرام بیضایی، علی حاتمی، کامبیز درم‌بخش، شاپور فریب، داریوش مهرجویی، امیر نادری و ناصر تقوایی در عرصه سینما و تلویزیون و داود رشیدی، رکن‌الدین خسروی، جعفر والی، عباس نعلبندیان، خلیل موحدی‌لمقانی و پری صابری در صحنه تئاتر همکاری داشته است.

فنی زاده در سال ۵۸ در حین بازی در فیلم سینمایی اعدامی به کارگردانی یاقر خسروی به خاطر بیماری درگذشت. او که در یک سانحه دچار آسیب دیدگی شده بود به خاطر ادامه حضور در فیلم سینمایی اعدامی در منطقه‌ای آلوده به خاطر عفونت زخم‌هایش راهی بیمارستان شد و سرانجام در ساعت ۷ صبح روز یکشنبه پنجم اسفندماه ۱۳۵۸ درگذشت. و مطبوعات ناباورانه خبر مرگ او را نوشتند، و سال‌ها بعد شورای ارزش‌یابی هنرمندان به مرحوم پرویز فنی‌زادن درجه دکترای هنری اعطا نمود.

مرحوم فنی‌زاده در پایان مراسم فستیوال بین‌المللی فیلم، وقتی که به عنوان بازیگر برگزیده انتخاب می‌شود می‌گوید: «من از برگزاری جشنواره فیلم و شرکت در آن و برنده شدن خوشحالم ولی باید بگویم حرفه اصلی من تئاتر است و از این پس تئاتر را با شدت هر چه تمام‌تر دنبال خواهم کرد».

در جایی دیگر مرحوم فنی‌زاده در مورد علت حضورش در سینما می‌گوید: «علت‌گرایش من به سینما به خاطر جنبه احساسی سینما بود نه درآمد حاصل از آن، من تاکنون دستمزد چندانی از سینما نگرفته‌ام، فنی‌زاده در مورد نقش کوتاه و بلند در کار هنری اینچنین می‌گوید:

اندر ضمیر دل‌ها گنجی نهان نهادی

از دل اگر برآید در آسمان ننگ‌بند

پرویز فنی زاده هنرمندی بود خوش فکر، خوش رو، خوش سخن، متواضع و با اصالت و دلسوز. بازیگری که مطالعه یکی از بارزترین مشخصه‌هایش محسوب می‌شد. او در عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون اگر چه به واسطه مرگ زودرس و ناگهانی‌اش نتوانست حضور پر دوامی داشته باشد، اما کارنامه‌ای که از خود به یادگار گذاشت، در عالم بازیگری ایران ماندگارش کرد. پرویز فنی‌زاده در هفتم بهمن ماه سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد. و پس از تحصیلات متوسطه در مؤسسه اطلاعات با عناوین حروفچین، مصحح و ویراستار مشغول به کار شد.

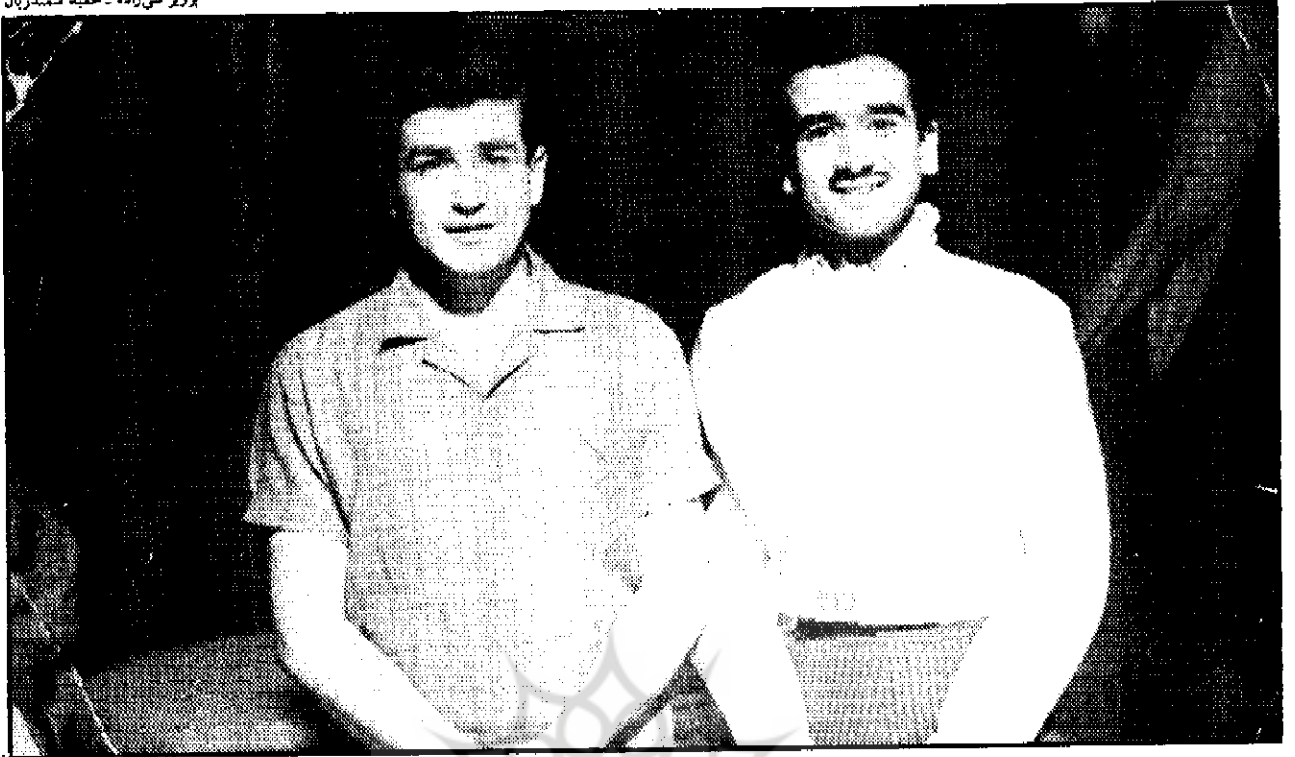
او کار بازیگری را در سال ۱۳۳۷ با شرکت در کلاس‌های هنرستان هنرهای دراماتیک آغاز کرد و سپس گروه تئاتر «دل سرخ» را تشکیل داد، در ادامه کار خود و در سطحی بالاتر با حمید سمندریان همکاری نمود. در سال ۱۳۴۰ از او دعوت شد تا در گروه حرفه‌ای تئاتر بازارگاد مشغول به کار شود. او در این دوره با حضور فعال خود شکل تازه‌ای به گروه بخشید و به علت درگیری‌های شدید در تئاتر، کار در مطبوعات را رها کرد مرحوم فنی زاده هم‌زمان با تحصیلات عالی در رشته تئاتر در سال ۱۳۴۵ به استخدام اداره هنرهای دراماتیک درآمد.

بازی در فیلم سینمایی خشت و آئینه به کارگردانی ابراهیم گلستان در کنار بازیگرانی چون تاجی احمدی، اکبر مشکین، گلی بزرگمهر، محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی و پری صابری از اولین کارهای سینمایی فنی‌زاده است.

در سال ۱۳۵۱ در فیلم سینمایی رگبار به کارگردانی بهرام بیضایی حضور یافت و جوایز بهترین بازیگر مرد در فستیوال سپاس و فستیوال بین‌المللی فیلم تهران را از آن خود کرد.

بازی در سریال تلویزیونی سلطان صاحبقران به کارگردانی علی حاتمی و دایی جان ناپلئون به کارگردانی ناصر تقوایی (در نقش به یاد ماندنی مش قاسم) از جمله آثار شاخص فنی‌زاده است.

منتقدان هنری می‌گویند: پرویز فنی‌زاده برای بازی در تئاتر و سریال تلویزیونی و فیلم‌هایی که بازی کرده است، در همه آن‌ها مستحق دریافت جایزه بود. او در نمایش‌نامه‌هایی از نعلبندیان،



«با توجه به نظریه استانیسلاوسکی فکر نمی‌کنم یک هنرمند با ایفای نقش کوتاه، کوچک شود»
 در مورد مرحوم فنی زاده نظرات دیگران هم خواندنی است:
 - هویت فنی زاده هنر خلقتش بود و عشق به دیگران
 - حقیقت این است که او هست و این یعنی زندگی جاوید
 - او در رگبار مرگ زیبایی را ترسیم کرده بود
 - فنی زاده معصومانه مرد.

جای مرحوم فنی زاده در خانه خالی است، در فضای خانه هنوز بوی او حس می‌شود، همسرش خانم هایده غیوری و دختر هنرمندش دنیا فنی زاده با تواضع و فروتنی ما را می‌پذیرند و سعی می‌کنیم در یک گفتگوی کوتاه نظرات آن‌ها را در باره مرحوم فنی زاده بشنویم. خانم غیوری با دل‌تنگی خاصی می‌گوید: «در زمان حیات فنی زاده گاهی مصاحبه‌ای در باره ایشان با من انجام می‌گرفت، بعد از فوت ایشان بارها با عناوین مختلف مصاحبه‌هایی با مطبوعات داشته‌ام، در باره ایشان، رابطه ایشان با خانواده و ...

□ شبی که آقای فنی زاده جایزه سپاس را به خاطر بهترین بازی گرفتند شما چه احساسی داشتید؟

■ پرویز به خاطر بازی در تنگسیر موهایش را کاملاً زده بود. در مراسم اختتامیه جشنواره ردیف آخر نشسته بود. او عادت داشت که هیچوقت خودش را مطرح نکند. یکی از آقایان هنرمند از او خواسته بود که به ردیف‌های جلوتر برود ولی پرویز نپذیرفته بود و اصرار دوستان او را وادار کرده بود که یکی دو ردیف جلوتر برود، در پاسخ یکی از اصرار کنندگان گفته بود: من هم یک تماشاگر هستم. من در خانه از طریق تلویزیون مراسم را می‌دیدم، پرویز را دیدم که با سر تراشیده در میان جمع مشخص بود و خیلی آرام به

نظر می‌رسید تا اینکه نامش را خواندند و برای دریافت جایزه سپاس به روی صحنه دعوتش کردند. تا پاسی از شب چون همیشه بی‌صبرانه انتظارش را کشیدم، او مثل همیشه آمد و دق‌الباب کرد، پس از اینکه درب منزل را باز کردم، همان لبخند معصومانه همیشگی را بر چهره مردانه‌اش داشت و باز هم مثل همیشه که هر چه به خانه می‌آورد به من می‌داد، جایزه‌اش را به من سپرد، و من احساس خاصی داشتم، فنی زاده مرد زندگی بود و ارزش زیادی برای خانواده قائل بود.

□ آه آقای فنی زاده درجه دکترای هنری داده شد آیا این مهم تأثیری در وضع حقوقی ایشان داشت؟

■ خیر، پس از دوندگی‌های فراوان و مراجعه به مسغولین مختلف پاسخ شنیدم که سابقه هنری ایشان در اداره هنرهای دراماتیک ۱۴ سال بوده و سال‌های قبل از استخدام ایشان جزو سابقه محسوب نمی‌شود.

من هیچ طلبی از هیچکس ندارم، همانطور که پرویز حتی از حق مسلم خودش هم می‌گذشت. اگر تنها تعداد کمی از پیشنهادهای پر درآمد را قبول می‌کرد زندگی ما الان خیلی تفاوت داشت.

حالا دخترم (دنیا) نیز مثل او عمل می‌کند، حتی دستمزدش را تمام و کمال نمی‌گیرد. او عروسک گردان کلاه قرمزی است و با فروش فوق‌العاده فیلم کلاه قرمزی و پسرخاله هم حتی چیزی نگرفته‌است. در مراحل مختلف که برای دریافت حقوق پرویز پی‌گیر بودم، مدارکی از جمله دیپلم‌های افتخار و لوح زرین او را به اداره مربوطه دادم که فقط می‌خواهم آن‌ها را که یادگار پرویز است به من برگردانند. چرا که ماثیم و خاطرات پرویز و دلخوش به تماشای بعضی فیلم‌هایش.



از فیلم‌های آقای فنی‌زاده کدام یک را بیشتر دوست دارید؟
■ رگبار چیز دیگری بود و جوایزی را نیز برای پرویز به ارمغان آورد، اما از نقش او در فیلم تنگسیر خیلی خوشم می‌آید، اگر چه بخش‌هایی از بازی پرویز را از فیلم در آورده‌اند.

(اشک‌های دنیا فنی‌زاده از گونه‌هایش جاری است، اگر چه بارها و بارها شاید این خاطرات را از زبان مادرش شنیده است، اما گویی هنوز هم با آن خاطرات زنده است و نفس می‌کشد. از او می‌پرسم.)

۱۱ حدود ده سال است که در عروسک گردانی نمایش‌های عروسکی فعالیت می‌کنی. و مشهورترین عروسک ایران (کلاه قرمزی) را به مدد دست‌های جان می‌دهی فکر می‌کنی تا چه حد مرحوم فنی‌زاده در کارهایت تأثیر داشته است.

(دنیا به آرامی قطرات اشک را از گونه‌هایش می‌گیرد و پاسخ می‌دهد.)

■ من و پدرم با هم خیلی دوست بودیم، خیلی ... خیلی ... به گونه‌ای عجیب مشکلات درونی مرا می‌فهمید که برایم شگفت‌انگیز بود. با نبود ظاهری ایشان به شدت احساس تنهایی می‌کنم و این تنهایی بی‌نهایت آزار دهنده است، به خصوص اینکه در محیطی هستم که ایشان در آن محیط حضوری پر افتخار و تابناک داشته‌اند.

گاهی با پدرم سرکارهایشان حاضر می‌شدم، زیاد آن فضاها را در قدیم درک نمی‌کردم چون خیلی کم سن و سال بودم. اما برایم جالب بود. آن وقت‌ها، در خانه‌امان چند مجسمه چینی داشتیم، پدرم برای آن‌ها اسم گذاشته بودند و قصه برای عروسک‌ها می‌ساختند. به من و خواهر کوچکترم (هستی) یکی از آن مجسمه‌ها را می‌داد و تقلید و صداسازی را یاد می‌گرفتم.

روزی پدرم از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یک عروسک دست‌کشی برایم آوردند و کار با آن را به من یاد دادند. آنقدر این کار برایم جالب بود که پدرم از آن پس برایم عروسک‌های نمایشی می‌خرید.

در دوران دبستان که بودم از پدرم دعوت می‌شد که تئاترهای را به مناسبت جشن‌ها در مدرسه اجرا کنند. روابط صمیمی و دوستانه او با بچه‌ها چنان بود که گویی هم سن آنها بودند.

□ آیا جوایز و عناوین تأثیری در روحیات پدر می‌گذاشت؟
■ بله، خوش‌روتر، متواضع‌تر، صمیمی‌تر و فعال‌تر می‌شدند و تلاش می‌کردند نقش بهتری بازی کنند.

□ آیا از روابط ایشان با خانواده در هنگام درگیری با یک‌کار و تمرین‌هایشان چیزی به خاطر دارید؟

■ ایشان همیشه در خانه یک رویه خوب داشتند و آن اینکه همواره کار یا بیکاری خارج از خانه در محیط خانه دخالت نداشت و ایشان مدتی را که در خانه بودند به مشکلات ما رسیدگی می‌کردند و شب هنگام وقتی همه در خواب بودیم به تمرین مشغول می‌شدند که گاه‌آ تا صبح طول می‌کشید.

خانم غیوری ادامه دادند: آقای فنی‌زاده خیلی اهل مطالعه در زمینه‌های گوناگون بود، حتی در اوج مشکلات و مشغله‌های زیاد مطالعاتش را کم نمی‌کرد. در مورد هر نقش خیلی تحقیق و پژوهش

می‌کرد و دانسته‌های خود را در اختیار دیگران از جمله بچه‌ها می‌گذاشت.

□ شما کدامیک از فیلم‌ها و نقش‌های پدرتان را بیشتر دوست دارید؟

■ البته فیلم رگبار اثر آقای بهرام بیضایی، ولی نقش مش قاسم در سریال تلویزیونی دایی جان ناپلئون را خیلی دوست دارم گاهی به خود می‌گویم خوب بود اگر چنین شخصیتی را در نزدیکی خودمان می‌داشتیم کلی از دستش می‌خندیدیم.

□ نظرتان درباره بازیگری چیست؟

■ این حرفه را بی‌نهایت دوست دارم و بدین جهت روی بازیگری بسیار حساسم و مثل خیلی‌ها کاملاً مطمئنم کار در این حرفه، هوش، سرعت انتقال، و حواس و اعصاب قوی، قدرت و سرعت و انعطاف زیاد بدن و سواد بسیار در زمینه‌های مختلف از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، تاریخ و جغرافیا و ... را می‌طلبد. لذا به خود اجازه نمی‌دهم به این شغل شریف نزدیک شوم هر چند که با کمال تعجب می‌بینم که عده‌ای بدون دانش درباره این مقوله اظهار نظر می‌کنند و گاه هم حکمی صادر می‌کنند و دلیشان هم نسبی بودن هنر است. کسانی که به هر طرفندی بدون لیاقت و دانش کافی پا به عرصه هنر مخصوصاً بازیگری می‌گذارند و ... تحمل این بدی‌ها و زشتی‌ها برای منی که همواره می‌دیدم بالاترین سوگند پدرم، قسم به تئاتر و صحنه بود خیلی زجر آور است.

□ با تشکر از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید.

■ ما هم از شما متشکریم.